

دفاع صمد از هر از جنایت و شکنجه

نگارش: نجیب ثاقب

25.06.11

یکبار دیگر تشکر فراوان از محترم نصیر مهرین و سائر پژوهشگرانی که در راستای برجسته و بی پرده ساختن گوشه های پنهان و تاریک قضایا و حوادث خونبار تاریخ معاصر میهن ما می کوشند.

از معاملات کثیف و زدوبند ها و خود فروشی با متجاوزین، اشغالگران، استعمارگران و توسعه طلبان طماع؛ تا استبداد گسترده و توحش حکومت های پوشالی و استبدادی، از غل و زنجیر، شکنجه و زندان تا قتل های انفرادی و دسته جمعی، از نسل کشی و نژاد کشی های مخفی و علنی تا ایجاد گور های جمعی و از همه مهمتر، افشای جنایات هولناک سازمانیافته حزب منفور و مزدور و انسان کش " خلق " و " پرچم " تحت هدایت و نظارت مستقیم دستگاه های جهنمی استخباراتی روسی و جنایات فزون از حد دولت اشغالگر تزاران نوین روس در کشور زخمی و ویران ما و در تداوم خونبار این جنایات هولناک، کوهواره جنایات ارتجاع اسلامی و این بار به وسیله اشغالگران امپریالیستی و مزدوران دموکرات و مرتجع اسلامی شان همراه با وطنفروشی مدرن و دموکراتیک و برخورداری از فرصت های برابر در وطنفروشی و خیانت ملی، بایستی در زیر زره بین این تحقیق و پژوهش روشنگرانه قرار گیرد.

جنایات سازمانیافته حزب مزدور و آدم کش " خلق " و " پرچم " و جنایات ارباب روسی آن در کشور زخمی و ویران ما آنقدر گسترده و خونین است که از هر نوع محاسبه حکومت داری خارج بوده و هر نوع قتل و کشتار و جنایات دهه های قرن گذشته در مقابل آن رنگ باخته و تنها جنایات فاشیست های هیتلری و جنایات و نسل کشی اخیر فاشیست های صرب با آن پهلو زده و قابل مقایسه است.

عده ای از جانیان، آدم کشان و عاملان بربادی وطن و هموطن ما در رهبری و بدنه این حزب قاتل، وطنفروش و فاشیست " خلق " و " پرچم " یکی پی دیگری با کمائی نفرت و نفرین مردم ما، به جهنم واصل شده و در گوشه خاصی از زباله دان تاریخ جا گرفته اند و در آنجا انتظار رفقای حزبی و شرکای جرم و جنایت خویش را می کشند.

اما عده کثیری از آنها (از جمله صمد از هر شکنجه گر و قاتل حرفوی) با تأسف توانسته اند در فقدان یک حاکمیت عادلانه ملی، دموکراتیک و مردمی از محاکمه عادلانه تاریخ و خشم انتقام مردم داغدار افغانستان، در پناه توطئه و در آغوش حاکمیت و حمایت استعماری اشغالگران در کشور ما جان به سلامت برده اند؛ با بستن پیمان تازه با بادار جدید و ایادی آن، به عمر ننگین و نکبتبار خویش در داخل و خارج ادامه داده، تاریخ جنایات سازمان یافته خویش را نوشته و از جنایات هولناک و شکنجه گری های خود ها بیدریغ و بدون ترس از روز حساب و محاکمه مردم و تاریخ، دفاع میکنند.

در حالیکه دولتمردان امروز روسی - این میراث داران سوسیال امپریالیسم دیروز - مستقر در کاخ کرملین، از تذکر و بیان صریح جنایات بی شمار و هولناک شما و بادار سوسیال امپریالیست روسی تان عار داشته و جرئت یاد دهانی آنرا ندارند، امروز تو « صمد از هر » و سائر جانیان، مستنطقان، شکنجه گران، قاتلان و وطنفروشان قلمزن " پرچمی " و " خلقی " بدون کوچکترین شرم، پوزش و عذرخواهی از این مردم مظلوم و قربانیان کشتار های وحشیانه تان و حزب فاشیست تان، در دفاع بیشرمانه از عملکرد های جنایتکارانه حزب منفور و جانی تان قرار میگیرید.

شایان یاد دهانی است که این تاریخ جنایت نوشتن ها، دفاع از جنایت ها، قلمزنی ها و سخن رانی های غرا و پر طمطراق " پرچمیها " و " خلقیها " در محافل، مطبوعات، نشرات و سایت ها در پناه حمایت و در آغوش حاکمیت استعماری اشغالگران امپریالیست (بادار کنونی شان!) در کشور ما ناشی از سه عامل ذیل است:

- تسلط و تداوم فرهنگ ضد انسانی، ضد افغانی و وجدان مردگی و مزدوری بر حزب " خلق " و " پرچم " که « صمد از هر » و همه اعضای آن در آن مدرسه غدر و جنایت تربیت شده اند.

۲ - فرهنگ اغماض و سکوت در مقابل جنایات آفتابی، مدارا، سازش و همکاری با جنایت کاران ریز و درشت دیروزی و امروزی در پناه حاکمیت استعماری با "منطق کمی"، در جو انحطاط همه جانبه و مرگ ارزش ها، در ازدهام تحرکات انقیاد طلبی و تسلیم طلبی در بین تعدادی از روشنفکران اخته و امکانات گرا در کشور به زنجیر بسته و استعمار زده و استبداد زده ما.

۳ - نبود و فقدان یک جنبش متشکل ملی - دموکراتیک و مترقی ضد تجاوز و اشغال امپریالیستی و ضد ارتجاعی در عرصه سیاست کشور. جنبشی که بتواند جانبازان، ایثارگرانه و صبورانه در دفاع از منافع ملی و تاریخی مردم و استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور عزیز ما افغانستان در مقابل تجاوزات امپریالیستی و درازدستی های آزمندانه ارتجاعی برآید. نهضتی که از طریق مبارزات ممتد و حوصله مندانه خود در چندین عرصه، جو فرهنگی مستولی بر کشور را همراه با فرهنگ اغماض جنایت و همکاری با جنایتکاران؛ و هکذا استبداد و استعمار پذیری را به ضد آن بدل کرده و در آنسوی جو موجود انحطاط همه جانبه و مرگ ارزش ها، تولد مجدد باور ها و ایدآلها و رستن جوانه های امید و آغاز دوباره حماسه داد را نوید دهد.

بیشک « صمد ازهر » مستنطق، و قاتل هاشم میوند وال و مرستیال است و هموطنان زیادی بر این امر گواهی میدهند. با این وصف، شعبده بازی ها و قلمزنی های « صمد ازهر » تلاش مذبوهانه ایست برای بی گناه جلوه دادن خودش و حزب مزدور و منفورش در شکنجه و قتل ذوات نامبرده و نمک پاشیدن بر زخم های خونین مردم داغدار افغانستان!!! ولی جرم « صمد ازهر » در شکنجه و قتل این دو افغان فقید در مقایسه با جنایت آفرینی و دفاع « صمد ازهر » از جنایات سازمانیافته، هولناک و گسترده و خونین حزب مزدور و آدم کش "پرچم" و "خلق" و جنایات بیکران ارباب سوسیال امپریالیست روسی شان در کشور زخمی و ویران ما، در حکم قطره در مقابل بحر است. « صمد ازهر » مزید بر مستنطق، شکنجه گر و قاتل هاشم میوند وال و مرستیال بودن، در پُست کلیدی حزب و حکومت مزدور "پرچم و خلق" در دوران قدرت حزب جلاد پیشه شان مرتکب جنایت گستری های زیادی شده است که از آن بابت خیلی نگران است و نمی خواهد که آن جنایاتش افشاء شود. ولی کوهواره فجایع « صمد ازهر » و هم سلکان حزبی و استخباراتی او در کشور باید افشاء شوند. این خواست مردم است و ما درین روز ها شاهدیم که اورنگ فراعنه در مقابل خشم بنیان کن مردم فروریخته و توده های خشمگین و انتقام جوی مردم فرعون زمان را از سریر فرعون

به زیر کشیده اند. سرانجام مردم در همه جا بر ارتجاع و استعمار پیروز خواهند شد. در حالیکه همه میدانند، « صمد ازهر » به مصداق ضرب المثل " خائن خائف است"، از شکنجه و قتل هاشم میوند وال و مرستیال بوسیله خود (صمد ازهر) انکار میورزد. این نشانه ترس و جبن وی و در عین حال نشانه انجام قتل دو فرد نامبرده توسط « صمد ازهر » است زیرا او از کلمه عدالت و دادخواهی قربانیان جنایات جمعی حزب و رژیم شان میترسد.

من شخصاً امید وار هستم که یک حاکمیت ملی - دموکراتیک و مترقی زمینه یک محاکمه عادلانه علیه کلیه جنایت کاران جنگی از هفت ثور ۱۳۵۷ تا امروز، عاملان بربادی وطن، و وطنفروشان " خلقی"، " پرچمی"، " اسلامی" و " سیکولار"؛ رهبران و افسران عالیرتبه سه رژیم گذشته و جنایت کاران و رهبران رژیم فعلی؛ مستنطقین، شکنجه گران و جلادان " اگسا"، " کام"، " خاد" و "امنیت ملی"؛ خرنوال های "محکمه اختصاصی انقلابی" مربوط رژیم مزدور ضد دموکراتیک خلق و کلیه ناقضین حقوق حقه بشری را فراهم سازد و جنایتکارانی را که در هر گوشه و کنار جهان لمیده اند، مانند جنایتکاران المان نازی و فاشیست های صرب و... در محکمه مردمی به محاکمه عادلانه بکشاند. به امید آروز!

۲۴ جون ۲۰۱۱ میلادی